



## شیوع نگران کننده دیابت

علیرضا استفامتی، عضو هیئت مدیره جامعه پزشکان متخصص داخلی ایران با بیان اینکه آمارها نشان می دهد شیوع ابتلا به دیابت و موارد پیش دیابت در کشور به طرز نگران کننده ای رو به افزایش است، گفته است که براساس بررسی های وزارت بهداشت، بیش از ۱۴ درصد جمعیت بالای ۲۰ سال کشور یعنی چیزی حدود هفت میلیون نفر ایرانی به دیابت مبتلا هستند. به گزارش ایلنا، استفامتی در این باره گفت: «این آمار پنج سال قبل، ۱۱ درصد جمعیت کشور بود و این روند رو به افزایش است؛ به گونه ای که پیش بینی می شود در آینده نزدیک بیش از ۱۰ میلیون نفر مبتلا به این بیماری در کشور داشته باشیم. اگر نتوانیم جلوی بروز سونامی دیابت را بگیریم در سال های آینده هزینه های هنگفت مرتبط با بیماری دیابت و عوارض ناشی از آن بر اقتصاد سلامت کشور تحمیل خواهد شد. این یک هشدار و زنگ خطر جدی است؛ البته این هشدار را زمانی که در کشور حدود دو تا سه میلیون نفر مبتلا به دیابت داشتیم به مسئولان اعلام کردیم و گفتیم که این آمار به شش تا هفت میلیون نفر خواهد رسید.»

پرونده مختومه  
پتروشیمی میانکاله

یوسف نوری، استاندار مازندران با بیان اینکه پتروشیمی میانکاله حواشی زیادی را در استان ایجاد کرد، گفته است که پرونده پتروشیمی میانکاله بسته شده است و امکان پیگیری وجود ندارد. او ادامه داد: «برخی از موارد پیگیری وجود ندارد. او ادامه داد: است ما در یک جایی به نتیجه نرسیم و در اولویت ما قرار نگیرد، مثلاً همین پرونده میانکاله، پرونده بسته شده و رأی هم صادر شده است. امکان پیگیری وجود ندارد، اما ممکن است یک راه جایگزینی برای آن با کمک شما پیدا بشود، منظورم اینکه دوباره راه بیفتند نیست، نه! منظورم این است که دوباره یک مجموعه را که کار دیگری انجام بدهد، راه بیفتد.»



## هشدار درباره تصادفات تهران

فرمانده پلیس راه تهران بزرگ نسبت به وقوع تصادفات در محدوده ۳۰ کیلومتری شهرها هشدار داده و گفته است، زمانی که رانندگان به مقصد نزدیک می شوند با سرعت بیشتری رانندگی کرده و با این ذهنیت که دیگر به مقصد رسیده اند، دیگر توجهی به خستگی و خواب آلودگی نیز ندارند. ابراهیم ازانی با بیان اینکه سهیم جاده های تهران بزرگ از جاده های کل کشور تنها یک درصد است، گفت: «اما در همین جاده ها، ۱۳ درصد از کل تردهای ثبت شده در کشور انجام می شود. بنابراین در این حوزه مأموریت های بسیاری داریم و کار در این بخش حساسیت های بسیاری دارد. در جاده های تهران بزرگ، بیشترین نقش تصادفات مربوط به خودروهایی مسواری با سهیم ۵۵ درصدی است و پس از آن کامیون ها ۲۰ درصد، وانت بارها ۱۹ درصد و موتورسیکلت ها با شش درصد قرار دارند.» او ادامه داد: «سال گذشته در جاده های تهران، شش نقطه حادثه خیز شناسایی شد که همین سازی های مناسبی برای رفع این نقاط انجام شد، همچنین ۶۷ نقطه حادثه خیز دیگر را نیز شناسایی کردیم که امسال به طور کامل رفع خطر خواهند شد.»

گزارش  
آموزش

عکس ترافیک است

## روایت تأدیب

## گزارش هم میهن از تنبیه بدنی در مدارس با بازخوانی تجربه های دانش آموزان چند دهه و صحبت های کارشناسان و فعالان آموزشی و حقوق کودک

اجتماعی دارد و قابل پذیرش نیست. البته چون پیمایشی در این زمینه وجود ندارد، نمی توان به طور دقیق گفت که به چه میزان رخ می دهد و قطعاً در تهران با مناطق دورافتاده و محروم تفاوت زیادی دارد. «به گفته او، در برخی مناطق این خشونت ها روانی و کلامی و یک جاهایی جنسی و جسمی است: «در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان یکی از وظایف آموزش و پرورش، آموزش حقوق کودکان به پرسنل از جمله معلمان و ناظران است. باید نسبت به این موضوع صیانت کند و خودش فعالانه گزارش های کودکانی که در مدارس را بررسی کند؛ در حالی که آنچه شاهدیم پنهان کاری است و حتی اجازه ورود سازمان های مردم نهاد و پیگیری مدعی العموم را هم نمی دهند. این پرونده ها به صورت محرمانه است و اگر هم از سوی سازمان های مردم نهاد رسانه ای شود می گویند سیاه نمایی شده. در حالی که براساس قانون حمایت از حقوق کودکان، تمام نهادها وظیفه دارند در زمینه پیگیری و پیشگیری از کودکانی که در فعالانه تلاش کنند.»

او می گوید که انجمن حمایت از حقوق کودکان، براساس وظایفش، به دنبال برگزاری کارگاه های رایگان آموزش حقوق کودک در مدارس بود، اما آموزش و پرورش به آنها راه نمی دهد: «سازمانی هایی با آموزش و پرورش داشته ایم تا کارهای مشترکی در زمینه احقاق حقوق کودک انجام دهیم اما این رایزنی ها به نتیجه نرسیده است. مجموع اینها به ما می گوید که عزم جدی برای مواجهه و مبارزه با تنبیه بدنی در مدارس وجود ندارد. قبلاً آقای موسوی چلک، رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران پیشنهاد داده بود تا هر مدرسه یک مددکار اجتماعی داشته باشد و مشکلات دانش آموزان را پیگیری کند. اما جای اینکه این اتفاق بیفتد یکسری افراد غیرمتخصص وارد مدرسه کردند که نشان داد دنبال تخصص گرایی و حمایت از کودکان نیستند.» براساس اعلام او، انجمن حمایت از حقوق کودکان، از طریق سامانه حقوقی صدای یار، پرونده های مرتبط با کودکانی که در دوره هایی است و از ساعت ۹ صبح تا ۵ بعد از ظهر فعال است: «ما به افراد مشاوره های حقوقی می دهیم و آنها می توانند از ظرفیت وکلای داوطلب ما استفاده کنند. مشاوره های روانشناسی هم از طریق همین سامانه انجام می شود.» مسئول حقوقی انجمن حمایت از حقوق کودکان می گوید که در دوره هایی موارد تنبیه در مدارس بیشتر می شود. یکی از نمونه های آن در پاییز و زمستان سال ۱۴۰۱ بود که تعداد زیادی از خانواده ها با آنها تماس می گرفتند و گزارش آزار در مدرسه می دادند: «در آن دوره دانش آموزان، درگیر فضای اجتماعی جامعه شده بودند و مدام از سوی مسئولان مدرسه تهدید می شدند. آمار گزارش ها

با نمرات خوب اما به قول معلماتش نا آرام. آن زمان در مدرسه راهنمایی اودر شاهین شهر اصفهان، کتک زدن دختران دانش آموز در مدارس باب بود. او از هم سن و سال هایش در شهرهایی مثل تهران وقتی در این باره می پرسید، جواب می شنید: «اینجا فقط پسرها را می زنند، دخترها را کسی نمی زند.» تجربه ای کاملاً متفاوت با آنچه الناز در مدارس شهرشان می گذراند. او که حالا ۳۷ ساله است می گوید ناظم مدرسه هفته ای حداقل دو بار کتکش می زده و وقتی او هر بار پدرش را برای اعتراض به مدرسه می برده، ناظم عذر خواهی می کرده است: «یادم می آید همیشه یک انگشت بزرگ توی انگشت هایش بود، دست هایش را مشت می کرد و محکم به صورت می کوبید.» سال های مقطع راهنمایی الناز و خواهرش با تنبیه بدنی مدام توسط ناظم مدرسه گذشت؛ تجربه ای که هنوز به یاد آوردنش برای آنها دردناک است. آنها اغلب متولدان دهه های شصت و هفتادند که پس از اعلام شکایت آموزش و پرورش از سرپال افعی تهران با عنوان توهین به جایگاه معلم در شبکه های اجتماعی تجربه خود را از تنبیه بدنی در مدارس روایت کردند.

## ▼ درهای بسته آموزش و پرورش

ماجرای تنبیه بدنی در مدارس اما مختص به دهه های قبلی نیست. همین حالا هم مواردی در مدارس گزارش می شود که فائزه رضازاده، مسئول حقوقی انجمن حمایت از حقوق کودکان و وکیل دادگستری هم به آنها اشاره می کند. او به هم میهن می گوید که به تازگی دو پرونده در دستور کار داشتند. او از این موارد، تحت عنوان کودک آزاری یاد می کند: «قبل از تعطیلات نوروز، دو مورد کودک آزاری در مدارس رسانه ای شد و ما هم پیگیری کردیم. یک مورد مشت خوردن یک دانش آموز در منطقه ۱۳ تهران بود و دیگری آزار روانی دانش آموز کلاس اول در ورامین. کودک دوم را تهدید به اخراج کرده بودند و او تحت تاثیر شوک وارده، به کما رفته. پیگیری های ما از سوی انجمن حمایت از حقوق کودکان به نتیجه نرسید، خانواده تا جایی با ما همراهی کرد اما جلوتر نیامد و نگران حضور فرزندش در مدرسه و ادامه تحصیل بود. از سوی دیگر مسئولان آموزش و پرورش هم در پی این هستند که با مصالحه کار را تمام کنند و کار به شکایت و پیگیری قضایی نکشد. هر چند که ما خانواده را برای شکایت متقاعد کردیم اما پیگیری نشد.» به گفته رضازاده، مسئولان مدرسه نگذاشتند پیگیری های قضایی به نتیجه برسد و فشار زیادی به خانواده ها وارد کردند. آنها در تلاشند تا کد خدمت نامه موضوع را حل کنند. به گفته این وکیل دادگستری، مدرسه اصلاً حق ندارد دانش آموز را تهدید به اخراج کند، در نهایت می تواند او را به مدرسه دیگری منتقل کند: «در گذشته بحث خشونت در مدرسه، پذیرفته شده تر بود حالا اما ممنوعیت و قبح

زهرا جعفرزاده  
خبرنگار گروه جامعه

شاید بیش از ۳۰ درصد معلمان دوره و یا در رشته ای تدریس می کنند که رشته تحصیلی شان نیست. این آشفتگی و بی انضباطی ها متأثر از یکسری قوانین ایجاد شده و در نهایت به نهاد معلمی آسیب زده است. کارشناسان و مسئولان سابق آموزش و پرورش اما معتقدند که روش های استخدامی در این وزارتخانه، اشتباه است به همین دلیل معلمان بدون فیلتر وارد می شوند

پسران اغلب از تنبیه های بدنی نوشته اند و دختران از تحقیر و توهین و تهدید به اخراج: «یک معلمی داشتیم که وقتی دیکته می گفت خشونت زیادی به کار می برد. آنقدر از او می ترسیدم که دیکته ام را زیر ۱۰ می شدم. یک بار دستم را سوزاند تا نتوانم دیکته بنویسم.» این را ستاره از تجربه کلاس اول راهنمایی اش و معلم ادبیاتش نوشته و ادامه داده: «همه را تحقیر می کرد، خشونت کلامی زیادی داشت اما ما هیچ وقت اعتراض نمی کردیم.» گوشه کتاب، ابزار دیگری برای تنبیه دانش آموزان بود: «کلاس اول یا دوم راهنمایی بودم، یکی از بچه ها مشکل یادگیری داشت، معلم خیلی بد با او رفتار می کرد، یک بار کتاب را بر سرش کوبید.» این را هم سارا نوشته. حمیدرضا اما تجربه اش از مدرسه را «با خیلی افتضاح بود» توصیف کرده: «یک ناظمی داشتیم که بچه ها را وحشیانه کتک می زد. همه ازش می ترسیدیم.» آن یکی روایت تلخ تری دارد: «یک شیلینگ پر از میخ داشت، با همان ما را می زد. دبیر ادبیات کلاس سوم راهنمایی مان بود.» یکی دیگر در شبکه ایکس نظرسنجی گذاشته: «دوستان بیا بیاید ببینیم چند نفر در مدرسه تنبیه شدند.» ۸۷۰ نفر رای دادند، ۷۸ درصد گفتند که تنبیه شده اند. یکی کامنت گذاشته: «من در مدرسه با خط کش شیلینگ آب، کابل برق، بندسوت که سرش یک تکه آهن بود، کتک خوردم. در زمستان نیم ساعت برف می گذاشت در دستمان بماند تا آب شود، بعد با چوب می زد که دستمان، چک و لگد هم فرلوان بود.» آن یکی هم نوشته: «ناظم مدرسه چوب های نازک و تر را از درخت چیده بود، تاب می داد تا کلفت شوند و بعد ما را می زد. یک خط کش آهنی هم داشت که میزد به کمر بچه ها.» آنها نوشته اند آن زمان خانواده ها طرف معلمان و ناظران بودند. می گفتند ما از پس شان بر نمی آیم شما ادب شان کنید. آن یکی هم گفته که ناظم مدرسه طوری به گوش برادرش زد که شنوایی اش نصف شد. دیگری اضافه کرده که هنوز کابوس مدرسه را می بیند: «هشت ساله بودم که کتک بدی خوردم، معلم آنقدر به من سیلی زد که جای انگشت هایش روی صورتم ماند. چپ و راست با هر دو دست می زد، ۴۰ دانش آموز کلاس را به همین شکل کتک می زد.» سیلی و خط کش و خودکار گذاشتن لای انگشتان، اتفاق عادی بود: «دوم راهنمایی بودم که معلم با خط کش دستم را داغان کرد.»

الناز، دهه ۷۰ دانش آموز مقطع راهنمایی بود؛ دانش آموزی